



فردوسی

سال گذشته باید در ساده و خواهرم به زیادت اسام و ضاح (خ) رفت
بودیم.

بدوم گفت: «در نزدیکی مشهد، شهر قدیمی نوس، آذماگاه فردوسی.
شاعر بزرگ ایران خراد دارد. خوب است برویم و آنجا را هم ببینیم.»
چند روز بعد، به نوس رفتیم. فاصله ی مشهد تا شهر نوس زیاد
ن بود. وقتی به آذماگاه فردوسی رسیدیم، جعبت زیادی را در آنجا
دیدیم. یک نفر داهنا برای ما صحبت کرد. او می گفت: «فردوسی
سی سال زحمت کشید تا شاهنامه را نوشت. شاهنامه کتاب
پادشاهی است که در آن داستان های زیادی دیده ایران و
پهلوانان آن می خوانیم. رستم بزرگ ترین پهلوان داستان های
شاهنامه است. فردوسی این داستان ها را جمع کرد و اتری بسیار
عظیم به شعر پدید آورد تا زبان فارسی را که ما امروز با آن حرف
می زنیم، زنده نگه دارد.»



راهنما شعرهایی از شاهنامه خواند و با ما خدا حافظی کرد. هنگام برگشتن از توس، پدرم قول داد
بعضی از داستان های شاهنامه را برایم تریف کند.





درست، نادرست

۱. آرامگاه فردوسی در شهر مشهد قرار دارد. **X**
۲. همه‌ی داستان‌های شاهنامه به شعر است. **✓**
۳. فردوسی چهل سال زحمت کشید تا کتاب شاهنامه را نوشت. **X**
۴.



گوش کن و بگو

۱. شاهنامه‌ی فردوسی درباره‌ی چیست؟
ایران و پهلوانان
۲. بزرگ‌ترین پهلوان داستان‌های شاهنامه کیست؟
رستم
۳. به جز فردوسی کدام شاعر را می‌شناسی؟
سعدی-حافظ
۴.

جعبه‌ی کلمات

کلمات هم‌معنی

آرامگاه: محل دفن

عظیم: بزرگ

جمعیت: عده‌ای از مردم

کلمات مخالف

زنده ≠ مرده

بالارزش ≠ بی‌ارزش

عظیم ≠ کوچک

صحبت کرد: حرف زد

آثار: نشانه‌ها

رحمت: سختی و رنج

برگشتن ≠ رفتن

قدیم ≠ جدید